

دوشنبه 5 مرداد 1394 - 10 شوال 1436 - 27 جولای

آغاز عملیات غرور آفرین «مرصاد» در منطقه اسلام آباد غرب...

*** 5 مرداد در دفاع مقدس***** آغاز عملیات غرور آفرین «مرصاد» در منطقه اسلام آباد غرب (1367 ش)**

اشاره:

گروهک منافقین در پی حملات عراق به خاک میهن اسلامی و عقب نشینی های موقت رزمندگان اسلام، با تصور این که پذیرش قطعنامه 598 ناشی از جدائی ملت و دولت است، به خیال واهی، فرصت را غنیمت شمرده و سعی در رسیدن به اهداف پلید خود نمود. منافقین با جمع آوری دیگر ضد انقلابیون سرخورده، از کشورهای مختلف اروپایی، نیرویی به استعداد تقریبی 15 هزار نفر فراهم کرده و با بهره گیری از جنگ افزارهای اهدائی صدام و دیگر اربابان خود، حمله خود را از غرب کشور به خاک جمهوری اسلامی ایران آغاز کردند.

نیروی هوائی عراق با حمایت مقدماتی، آنها را برای ورود به عمق خاک ایران و در نهایت، فتح تهران، ترغیب می کند.

با این اتحاد شوم، قسمت هایی از اراضی میهن اسلامی مورد تجاوز قرار می گیرد.

ملت سلحشور و مسلمان ایران، پس از اطلاع از تجاوز منافقین به میهن اسلامی، به خروش آمده و به جبهه های جنگ اعزام می شوند. سرانجام عملیات مرصاد در پنجم مرداد ماه 1367،

با رمز مبارک یا علی (ع) و به منظور مقابله با منافقین در منطقه اسلام آباد و کرد غرب در استان کرمانشاه، آغاز گردید.

منافقین خلق، خوشحال از پیروزی های مقدماتی و در یک اقدام عجولانه، راهی باختران (کرمانشاه) شده و به خیال باطل خود، قصد حرکت به سمت تهران و سرنگونی نظام جمهوری اسلامی ایران را نمودند.

رادیو منافقین، با ارسال پیام به مردم باختران، از آنها می خواهد که زمینه را برای ورود ارتش

به اصطلاح آزادی بخش مهیاء سازند و آماده جذب در گردان ها و لشکرها باشند.

از آن طرف رزمندگان اسلام در 34 کیلومتری باختران، ناگهان راه را بر ستون های منافقین می بندند و واحدهای زرهی رزمندگان در

یک اقدام متهورانه، تعداد زیادی از ادوات سنگین زرهی منافقین را هدف قرار داده و به آتش می کشند. جاده باختران - اسلام آباد در همان لحظات اولیه، انباشته از ادوات سوخته شده می شود و عکس العمل سریع رزمندگان، منافقین را به فراری مفتضحانه وادار می سازد. این عملیات در روز بعد نیز با حمله هوانیروز ارتش جمهوری اسلامی ایران با سرکوبی شدید منافقان ادامه یافت و دشمن را دچار شکست سخت و سنگینی نمود.

بدین ترتیب، منافقان شکست خورده، در

این تجاوز نابخردانه، متحمل تلفات و

خسارات عظیمی شدند که بیش از

120 دستگاه تانک، 400 دستگاه نفربر،

90 قبضه خمپاره انداز 80 میلی متری،

150 قبضه خمپاره انداز 60 میلی متری و

30 قبضه توپ 106 میلی متری منهدم شد. علاوه بر آن ده ها دستگاه تانک، نفربر، خودرو و نیز صدها قبضه سلاح سبک و نیز مقادیری تجهیزات پیشرفته الکترونیکی و مخابراتی به غنیمت نیروهای اسلامی درآمد. در این عملیات، 4800 نفر از منافقان نیز کشته و زخمی شدند.

* 5 مرداد در گذر تاریخ

* ابوالفتح میرزا سالارالدوله

با دو هزار سوار و پیاده

وارد کرمانشاه شد و

ضمن تلگراف تند و سختی به مجلس خواستار سلطنت

محمدعلی میرزا شد (1290 ش)

* مستوفی الممالک به رئیس الوزرائی انتخاب گردید. (1294 ش)

* تولد هوشنگ پزشک نیا، نقاش معاصر ایرانی (1296ش)

اشاره:

هوشنگ پزشک نیا (1296-1351ش) پس از اتمام تحصیلاتش در ایران ، به سال 1321 شمسی به آکادمی هنرهای زیبای استانبول ترکیه رفت و زیر نظر پرفسور «لئو پولد لوی» نقاشی را فرا گرفت.

سال 1325 شمسی به ایران بازگشت و در شهر آبادان مشغول به کار شد. سپس سال 1337 شمسی به تهران نقل مکان کرد. به او وعده‌ی کاری را داده بودند، اما وقتی برگشت دریافت که کار را به دیگری داده‌اند. ده سال در کنسرسیوم نفت در داغی آبادان برای نشریات فراوان کنسرسیوم کار کرده بود و نقاشی کشیده بود. چون به ایران برگشت و بی‌کار ماند، در نامه‌ای دستمزدش را از کنسرسیوم طلب کرد، اما به حق و حقوقش دست نیافت. سال‌های ۱۳۳۹ و ۴۰، باز

با شوری عاشقانه ۱۵۰ تابلوی جدید می‌کشد و آن‌ها را به پاریس و لندن می‌برد. در گالری تدسکو پاریس آثارش را به تماشا می‌گذارد، چندتایی را می‌فروشد و بسیاری را نزد «مادام الو» نامی که گالری‌دار بوده، امانت می‌گذارد. سرنوشت آن آثار هرگز معلوم نشد. تا آخر عمر پزشک‌نیا منتظر بود تا بهای این تابلوها را دریافت کند که البته به مقصود نرسید. سال ۱۳۴۱ برادرش ایرج در تصادف کشته می‌شود و وضع روحی‌اش کاملاً به هم می‌ریزد. ده سال پایان زندگی‌اش با سختی، تلخی و آشفتگی گذشت. بدبین و شکاک شده بود.

نامه‌هایی به مراکز مختلف و شخصیت‌های فرهنگی و سیاسی کشورها می‌نوشت و ارسال می‌کرد. مکاتبه‌ها می‌کرد برای گرفتن پول تابلوها!! که صد البته هرگز،

به پیشیزی هم دست نیافت و مهم‌تر اینکه معلوم نشد چه بر سر تابلوها آمده. حتی خانواده‌اش، همسر و چهار فرزندش هم نفهمیدند. پزشک نیا ده سال پایانی زندگی‌اش را با سختی، تلخی و آشفتگی گذراند و در نیمه‌شب شنبه ۱۶ آذر ماه 1351 شمسی

بر اثر سکته قلبی در تهران درگذشت. آثارش میان تجربه‌های کوبیستی، اکسپرسیونیستی، واقع‌گرایی (رئالیستی) و یافتن شیوه‌ای شخصی در نوسان بود.

تشابه میان تمام آثارش، بیان اکسپرسیو مسائل اجتماعی مردم زحمت کش و طبقه‌ی کارگراست. از پزشک نیا آثارحکاکی (گراور سازی) نیز به جا مانده است که در آنها بیشتر از عنصر خط به صورت هاشورهای سیال برای دورگیری شخصیت‌ها استفاده کرده است و گاه آثارش با خطوط سفید که از دل سیاهی زمینه به بیرون پریده‌اند تصاویری

نگاتیف (منفی) ارائه داده‌اند. اگرچه او از نخستین هنرمندان نوگرای ایرانی بود اما

به دلیل گوشه‌گزینی و تردید و

تشویش‌هایش و کشمکش میان

مکتب‌های مختلف نقاشی، نتوانست نقشی فعال در تحول هنر معاصر ایران داشته باشد و بدین قرار بسیاری او را در زمان حیاتش در نیافتند و بسیاری نیز پس از مرگش او را به فراموشی سپردند.

* ستاد مبارزه با گرانفروشی حبیب‌القانیان را بازداشت کرد (1354ش)

اشاره:

ستاد مبارزه با گرانفروشی حبیب‌القانیان سرمایه‌داری یهودی معروف را به علت صدور دستور گرانفروشی و عدم عرضه فاکتور بازداشت و به زندان بوشهر انتقال داد.

* یک قرارداد نفتی بین ایران و افغانستان در کابل امضاء شد. (1356ش)

اشاره:

بر اساس این قرارداد یکصد و ده هزار تن مواد نفتی از ایران به افغانستان صادر شد.

* ملک حسین شاه اردن

وارد تهران شد (1357ش)

* حسنی مبارک معاون سادات وارد تهران شد (1357ش)

* دکتر علی‌امینی

نخست وزیر شاه با

صدور اعلامیه‌ای فعالیت سیاسی خود را آغاز کرد. (1357ش)

اشاره:

وی فقدان برنامه‌ها و وجود تورم را

مشکل اقتصادی دانست که به صورت

یک مشکل سیاسی ظاهر شده است و حل هیچ یک بدون دیگری ممکن نیست.

* امام خمینی(ره) در پیامی به ملت ایران ضمن قدردانی از مردم که به مناسبت

حوادث اخیر از برگزاری مراسم جشن ماه شعبان خودداری کرده بودند، جنایات رژیم را تشریح کردند و ادامه مبارزه را ضروری دانستند.(1357ش)

* از ساعت 18 الی 20،

مراسم بزرگداشتی در تهران

به مناسبت درگذشت

شیخ احمد کافی (1357ش)

اشاره:

با حضور جمعیتی حدود 10 هزار نفر و سخنرانی آقای یاسینی در مهدیه برگزار و در پایان ضمن برپایی تظاهرات تعدادی از شبیه های چندین بانک، سینما و فروشگاه شکسته شد. در ادامه این تظاهرات در ساعت 21، جمعیتی حدود 2 هزار نفر قصد حمله به کلاتری بخش 17 تهران را داشتند که با مداخله مأموران متفرق و حدود 15 نفر دستگیر شدند.

* روزنامه پاتریوت (دهلی نو) در گزارشی اعلام کرد که شاه به پایان راه نزدیک شده است و در مقابل نارضایتی عمومی برای ادامه حیات خود تنها به

سلاح های آمریکایی و سازمان سیا متکی است (1357ش)

* اقامه اولین نماز جمعه رسمی جمهوری اسلامی ایران در تهران به امامت آیت الله طالقانی (1358 ش)

اشاره:

روز جمعه پنجم مرداد سال 1358 برابر با سوم ماه مبارک رمضان سال 1399 ق،

اولین نماز جمعه بعد از پیروزی انقلاب اسلامی به امامت مرحوم آیت الله سید محمود طالقانی در دانشگاه تهران برگزار شد.

امام خمینی(ره)، چند روز قبل از

این تاریخ، این مهم را به ایشان سپردند و حکم برپایی و اقامه نماز جمعه را صادر فرمودند. واگذاری این تکلیف عظیم و سنگین توسط

رهبر فرزانه انقلاب در حساس ترین برهه از زمان

انقلاب اسلامی برعهده آیت الله طالقانی که

زبان گویایی برای بازگویی حقائق و رسوا نمودن دشمنان انقلاب داشت، امر خطیری بود.

جمعیت انبوه و میلیونی که از نخستین ساعات بامداد این روز از نقاط مختلف شهر تهران به دانشگاه و خیابان های اطراف هجوم آورده بودند، با مشاهده امام جمعه، تکبیرگویان، حمایت خویش را از رهبری امام خمینی(ره) و نهضت الهی ایشان اعلام داشتند.

با آغاز اقامه نماز جمعه، گروهک های مغرور و منافق که برای فریفتن مردم و برای واژگون نشان دادن مسائل و به انحراف کشیدن انقلاب، دست به تبلیغات بسیار عظیم و خطرناک و حساب شده زده بودند، ناگهان با یک معجزه بزرگ الهی و اسلامی روبرو شدند و نقشه های خود را نقش بر آب دیدند. اتحاد و اجتماع صفوف نمازگزاران نماز جمعه، توطئه های حساب شده و ترتیب یافته منافقان را خنثی ساخت و حيله و تزویر آنان را در هم شکست. شیاطین و منافقین در همه جا راه یافتند اما در صفوف

به هم پیوسته نماز رسوخ پیدا نکردند. سرانجام از همین صفوف نماز جمعه بود که مشته های گره کرده به سوی منافقان و احزاب و گروهک های مغرور و مستکبر و از خدا بی خبر نشانه رفت و آنان را متواری و نابود ساخت. نماز جمعه پس از پیروزی انقلاب، همواره محلی برای هوشیاری و آگاهی بخشی به مردم و نیز مکانی برای تزکیه نفس و خشوع و خضوع در برابر ذات خداوندی بوده و هست.

* مرگ «محمد رضا پهلوی»

در قاهره (1359 ش)

اشاره:

محمد رضا پهلوی در چهارم آبان ماه 1298 ش

در تهران به دنیا آمد. پس از تأسیس سلسله پهلوی توسط رضاخان میرپنج، وی به عنوان ولیعهد انتخاب شد و این مقام را تا سال 1320 ش بر عهده داشت. با ورود متفقین به ایران و برکناری و تبعید رضاخان به آفریقای جنوبی، دولت های استکباری که محمد رضا را مهره ای آرام و مطیع دیدند، او را به سلطنت ایران نشانند. از این پس، محمد رضا به عنوان پادشاه ایران، سلطنت خود را آغاز کرد.

تا قبل از کودتای 28 مرداد 1332،

نفوذ انگلستان در کشور بیشتر بود، ولی

پس از کودتا، آمریکا به عنوان قدرت اصلی در مملکت، شاه را به هرطرف که منافع آن دولت طلب می‌کرد، می‌کشاند. با آغاز حرکت انقلاب اسلامی در خرداد 1342، شاه،

با قساوتی تمام، مردم را به خاک و خون کشید و رهبر انقلاب اسلامی را در 13 آبان 1343 به تبعیدی ناخواسته فرستاد.

پس از این تبعید، محمدرضا پهلوی یکه‌تاز میدان حکومت ایران شد و به دیکتاتوری خود محور بدل گشت. در طول این سالیان، ساواک هرگونه مخالفتی را با شدت سرکوب می‌کرد و مستشاران آمریکایی در تمام ارکان کشور نفوذ کرده بودند. شاه برای تثبیت بیشتر مقام خود،

در سال 1350 جشن‌های 2500 ساله شاهنشاهی ایران را برگزار نمود و عده زیادی از سلاطین و رؤسای جمهور و نمایندگان کشورها در آن شرکت کردند. هزینه این جشن‌ها در رسانه‌های غربی بازتاب بدی پیدا کرد و آنان ضمن نشان دادن فیلم‌های جشن، گوشه‌هایی از زندگانی رقت‌بار جنوب تهران را به نمایش گذاشتند. اقدامات اسلام ستیزانه محمدرضا پهلوی در سال‌های بعد شکل گسترده‌تری

به خود گرفت و حتی تاریخ هجری شمسی را به تاریخ معجول و موهوم شاهنشاهی بدل ساخت. در اواخر سال 1356، و پس از درج مقاله اهانت‌آمیز علیه امام خمینی، امواج توفنده انقلاب، بار دیگر پایه‌های پوسیده نظام شاهنشاهی را در بر گرفت.

در این میان شاه سعی کرد با اقدامات عوام فریبانه، خشم مقدس ملت ایران را فرو نشاند. از این رو با برکناری نخست‌وزیر و دستگیری برخی از مهره‌های سرشناس پهلوی، درصدد بود تا تقصیر را بر گردن آنها بیندازد. وقتی این تلاش‌ها به جایی نرسید، محمدرضا خود در صفحه تلویزیون ظاهر شد و

نطقی استرحام‌آمیز ایراد نمود و خطاب به مردم گفت که صدای انقلاب شما را شنیدم. او همچنین از مراجع تقلید ملت‌مسانه درخواست کرد که مردم را هدایت نمایند و قول همه‌گونه آزادی داد. ولی نه دولت نظامی و نه نطق شاه، بازدارنده روند انقلاب نبود. در این حال محمدرضا شاه که برای خود چاره‌ای جز سرکوب و کشتار نمی‌دید، دست به ارتکاب جنایات متعددی زد. این کشتارها مانع از سقوط رژیم ستم‌شاهی نگردید و پس از فرار مفتضحانه او سرانجام در 22 بهمن 1357 ش، طومار سلطنت ننگین پهلوی و 2500 سال حکومت شاهنشاهی در هم پیچیده شد.

شاه که چند هفته قبل از پیروزی انقلاب، ماندن در ایران را صلاح نمی‌دید، در 26 دی 1357،

از کشور خارج شد و پس از ماه‌ها آوارگی، سرانجام در پنجم مردادماه 1359 ش در قاهره پایتخت مصر در میان غربت و بیماری و کوله‌باری از جنایت و وحشی‌گری به اسلاف خود پیوست.

* رحلت آیت‌الله «سید جواد حسنی خرمشاهی» عالم مشهور کرمانشاه (1375ش)
اشاره:

آیت‌الله سیدجواد حسنی خرمشاهی از عالمان نامدار کرمانشاه، در خاندانی که نسبشان به امام حسن مجتبی(ع) می‌رسید، در سال 1284 ش (1325 ق) به دنیا آمد. وی در کودکی پدر و مادرش را از دست داد و تحت سرپرستی و کفالت آیت‌الله آقا رحیم آل آقا، روحانی بزرگ شهر قرار گرفت. سید جواد، تحصیلات خویش را در مکتب‌خانه آغاز کرد و پس از آن به فراگیری علوم دینی پرداخت. وی در کنار شاگردی در محضر بزرگان،

به مطالعه مداوم احادیث و اخبار و تاریخ و تفسیر همت گماشت و بر غنای معلومات خویش افزود. از آن پس، خدمات دینی خود را

با تألیف، تبلیغ دین، امامت جماعت و ارشاد مردم

آغاز کرد و بیش از پنجاه سال بر اریکه منبر و در جایگاه وعظ، مردم مسلمان را از بیانات خویش بهره‌مند نمود.

مسجد آیت‌الله خرمشاهی در زمان جنگ تحمیلی و هشت سال دفاع مقدس (با نام مسجد

میر عبدالباقی) از بزرگ‌ترین مراکز کمک رسانی به جبهه‌های نبرد بود و خود او نیز با وجود کهولت سن در جبهه‌ها حاضر می‌شد و

با حضور خویش، روحیه بیشتری

به رزمندگان اسلام می‌داد.

از این عالم وارسته تألیفاتی چند به یادگار مانده

از جمله: مفاتیح آیات قرآن، کتاب انساب سادات، فرهنگ لغت قرآن و دیوان اشعار.

آیت‌الله خرمشاهی سرانجام پس از عمری نزدیک به 92 سال در پنجم مرداد 1375 ش برابر با 9 ربیع الاول 1417 ق درگذشت و در کرمانشاه به خاک سپرده شد.

* 10 شوال در گذر تاریخ

* رحلت آیت‌الله شیخ «هادی تهرانی» عالم و فقیه مسلمان (1321 ق)